

گفت و گو با محمود بهمن آبادی

معرفی

محمود بهمن آبادی متولد ۱۳۴۳ است. در سال ۱۳۶۲ در رشته ی فیزیک دانش گاه صنعتی شریف قبول شد، و تمام تحصیلاتش در این دانش گاه بود. بهمن آبادی نخستین کسی است که با یک کار تجربی (در سال ۱۳۷۷) از دانش گاه صنعتی شریف دکترای فیزیک گرفت. استاد راه نمایی او جلال صمیمی بود، و هنوز هم بهمن آبادی جزو گروه پژوهشی صمیمی است^۱. این گروه یکی از گروه های موفق پژوهشی در فیزیک تجربی است. صمیمی و بهمن آبادی و هم کارهاشان برای آشکارسازی پرتوهای کیهانی (که عمدتاً پروتون است) خودشان آشکارساز ساخته اند، که کار بسیار باارزشی است. بهمن آبادی اکنون استادیار دانش گاه صنعتی شریف، و ضمناً عضو شورای باش گاه دانش پژوهان جوان^۲ و عضو کمیته ی علمی المپیاد فیزیک است؛ و از سال ۱۳۷۱ درگیر انتخاب و آموزش اعضای تیم المپیاد فیزیک ایران بوده است.

گفت و گو

- انگیزه ی شما از فیزیک خواندن چه بوده؟
- راستش در سال چهارم دبیرستان علاقه ی من به فیزیک زیاد شد. معلم های خوب من را به این راه کشاندند. بعد هم که دانشگاه آمدم به تدریج علاقه ام بیشتر شد.
- آیا انگیزه ی شما به مرور عوض شده؟
- فکر نمی کنم.
- استادها ی شما چه کسانی بودند؟
- به ترتیب زمانی دکتر صمیمی، دکتر اردلان، دکتر منصوری، و دکتر گلشنی.
- بهترین استادی که داشتید کی بود؟
- نمی توانم بگویم بهترین استادم چه کسی بوده. از هر کدام آنها درس هایی گرفته ام (هم خوب، هم بد!)، اما به دلیل زمان زیادی که با دکتر صمیمی بودم طبیعتاً از او مطالب بیشتری یاد گرفته ام.

^۱ دکتر جلال صمیمی، که از استادان بسیار خوب فیزیک دانش گاه صنعتی شریف است، سه سال پیش سگته ی مغزی کرد که خوش بختانه با عمل به موقع توانست تا حد زیادی سلامتش را باز یابد. مجله فیزیک مدت ها است که با ایشان مصاحبه کرده و قرار است آن را در شماره ی بعدی اش چاپ کند.

^۲ باش گاه دانش پژوهان جوان (وابسته به وزارت آموزش و پرورش) متولی رسمی المپیادهای علمی در رده ی بالاتر از ۱۵ سال در ایران است.



- استاد راهنمای شما کی بود؟
 - دکتر صمیمی.
- شبیه او هستید؟
 - در بعضی موارد احساس می‌کنم بله.
- از فیزیک پیشه‌بودن راضی هستید؟
 - خیلی زیاد.
- چیزهای غیرفیزیک هم می‌خوانید؟ چه چیزهایی؟
 - قبلاً کتابهای مذهبی می‌خواندم، الان بیشتر کتابهای فیزیکی می‌خوانم.
- چه قدر ورزش می‌کنید؟
 - الان تقریباً هیچ، ولی قبلاً خیلی فوتبال بازی می‌کردم و به کوه هم می‌رفتم.
- چه قدر به نوشتن فارسی علاقه دارید؟ چه قدر می‌نویسید؟ اگر می‌نویسید، چرا می‌نویسید؟ اگر نمی‌نویسید، چرا نمی‌نویسید؟
 - زیاد. اصولاً من به نوشتن فارسی بیشتر از انگلیسی علاقه دارم چون زبان مادریم است و بهتر می‌نویسم. مقاله‌هایی که در مجله‌ی فیزیک نوشته‌ام این را نشان می‌دهد. این که بعضی‌ها می‌گویند وقت نداریم فارسی بنویسیم فکر می‌کنم کم‌لطفی می‌کنند، چون بیشتر خوانندگان داخلی را از دست می‌دهند. اگر دوست داریم فیزیک گسترش یابد باید مجلات داخلی را حمایت کنیم.
- اکنون در چه زمینه‌ای کار پژوهشی می‌کنید؟
 - نجوم پرتوهای کیهانی و پرتوهای گاما.
- بهترین کارتان به نظر خودتان کدام است؟
 - نمی‌توانم بهترین را انتخاب کنم، ولی اولین مقاله‌ام برایم هیجان زیادی داشت.
- کار جمعی را دوست دارید یا کار فردی را؟
 - لازمه‌ی کار تجربی کار جمعی است، و از این رو خودبه‌خود به این کار علاقه پیدا کرده‌ام، هر چند که به

کار فردی هم بی علاقه نیستیم.

- ارزیابی شما از کارهای پژوهشی در ایران، چیست؟
 - آمار منتشره نشان می‌دهند که نسبت به یک دهه‌ی قبل رشد قابل ملاحظه‌ای کرده ایم.
 - وضعیت پژوهش در زمینه‌ی فیزیک تجربی در ایران چیست؟
 - فیزیک تجربی در مقایسه با نظری خیلی عقب‌تر است. دلیل آن هم روشن است، چون امکانات لازم برای کار تجربی نسبت به نظری خیلی بیشتر است. اما فکر می‌کنم رشد قابل ملاحظه‌ای در دهه‌ی اخیر در این زمینه داشته‌ایم.
 - به نظر شما چه باید کرد تا فیزیک تجربی در ایران رشد کند؟
 - به نظر من مشکل ما بسیار اساسی است. به این معنی که میل به کار تجربی باید از سنین پایین‌تر از مقطع دانشگاهی شروع شود. بذری کار در دورانی باید کاشته شود که بچه‌ها در اوج رشد فکری هستند، یعنی دورانی که در آموزش و پرورش هستند. وقتی در مدارس ما امکانات اولیه برای این کار موجود نباشد توقع هم نباید بیش از این باشد. منظورم از امکانات اولیه این نیست که فلان دستگاه یا ابزار را باید داشته باشیم، نه! بلکه منظورم فرد تربیت‌کننده‌ی فعال و لایق است. این فرد می‌تواند با کمترین امکانات و استفاده از خود دانش آموزان و هدایت آنها دست به کارهای تجربی بسیار ساده اما ارزشمند بزند تا بچه‌ها از همان دوران به کارهای عملی شوق پیدا کنند. در عمل چون این میسر نیست بچه‌ها به سمت کتاب‌خوانی (که آن هم خوب است) سوق پیدا می‌کنند و گم شده‌ی خود را بیشتر در آن می‌یابند. در حالی که آنچه بچه‌ها را بیشتر ارضا می‌کند تجربه‌هایی است که با مشاهده و عمل به دست می‌آید. به نظر من ابتدا باید افراد لایق را درست انتخاب کنیم، روی آنها سرمایه‌گذاری کنیم، سپس آنها را به مدارس بفرستیم. این کار با تحمل سختیها به منظور سرمایه‌گذاری روی آینده امکان پذیر است. با این طرز فکر، امکان به وجود آوردن بقیه‌ی وسایل ساده خواهد بود.
 - هرگاه بحث از کم بودن فعالیت‌های پژوهش تجربی در کشور می‌شود استدلالی که ارائه می‌شود کمبود و یا نبودن دستگاه‌های پیشرفته است. آیا اصلاً این استدلال را قبول دارید؟ اگر قبول دارید، با توجه به این که معمولاً این دستگاه‌ها گران هستند و بسیاری از دانشگاه‌ها در وضعیت کنونی امکان خرید آنها را ندارند، چه باید کرد؟
 - من قبول دارم که کار تجربی احتیاج به ابزار دارد و تا حدی هم عدم فعالیت تجربی به این بر می‌گردد. اما فکر می‌کنم نبودن بعضی چیزهای دیگر مهم‌تر است. مثلاً عشق به کار، نظم‌پذیری، میل به ارائه‌ی کارهای برتر و فوق‌العاده، و غیره. اینها چیزهایی هستند که کمتر در وجود ما پیدا می‌شوند. ما اگر حتی از آنچه که در اختیارمان هست به نحو خوبی استفاده کنیم فکر می‌کنم یک مرتبه‌ی بزرگی در کارمان جلوتر خواهیم بود. به نظر من نداشتن ابزار و وسایل بیشتر یک حربه برای پوشاندن اشکالات خودمان است.
 - آیا آزمایش‌گاهی را که در آن کار می‌کنید موفق ارزیابی می‌کنید؟

○ ببینید ما کاری را شروع کردیم که در ایران هیچ سابقه‌ای نداشت. حتی بعضی از بازدید کنندگان خارجی که گاهی به آزمایشگاه ما سر می‌زنند از این کار متعجب می‌شوند؛ چرا که این کار یک پژوهش بنیادی است و در داخل خریداری ندارد. به هر حال پس از یک دهه کار موفق شده ایم کارهایی بکنیم که قابل ارائه به دیگران است و این من را ارضا می‌کند.

• اگر جزو اسرار نیست، دوست داریم بدانیم که در ۱۰ سال گذشته چه قدر خرج این آزمایش‌گاه شده است؟ چه قدر صرف خریدن وسیله شده؟ و در همین مدت چند مقاله و چند ثبت اختراع (patent) از این آزمایش‌گاه بیرون آمده؟ فکر می‌کنید این هزینه‌ی متوسط از متوسط ایران یا متوسط دنیا کم‌تر است یا بیش‌تر؟

○ متأسفانه الان عدد و رقم آن را نمی‌دانم. چون من خیلی به این کارها کار ندارم. بیشتر دکتر صمیمی به این امور رسیدگی می‌کند. در ۷ سال گذشته گروه ما ۷ مقاله داشته است و فکر می‌کنم هزینه‌ای که برای آنها شده با متوسط ایران خیلی فرق نکند، اما از متوسط دنیا خیلی کمتر است، به خصوص پولی که پژوهش‌گران می‌گیرند بسیار کمتر از متوسط جهانی است.

• آیا به این که شخص یا سازمانی کارهای پژوهشی را هدایت کند، اعتقاد دارید؟

○ در کل بله، به شرطی که آن شخص یا سازمان لایق این کار باشد. اگر سازمانی دارای افراد لایقی باشد که بتواند با مراجعه به آنها اولویتها را تشخیص دهد، می‌توان امیدی داشت که این پژوهش‌ها مورد استفاده‌ی بیشتر کشور قرار گیرد.

• فکر می‌کنید سازمان‌ها یی که متولی‌ی حمایت از پژوهش هستند کار خود را درست انجام می‌دهند؟ اگر نه، اشکال کارشان کجا است؟

○ من تنها با بخش پژوهشی دانشگاه صنعتی شریف آشنا هستم و می‌توانم راجع به آن نظر بدهم. در اینجا من به راحتی بدون هیچ برخوردی با دیگران طرح پژوهشی خود را به صورت مدون ارائه می‌دهم و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. تا این جا بسیار خوب است و جای قدردانی دارد. اما وقتی بحث تجهیزات پیش می‌آید تازه اول مشکلات است که بحث روی آن تکراری خواهد بود.

• تا چه حد در مدیریت مؤسسه‌هایی که در آنها بوده اید سهم بوده اید؟

○ اگر شرکت در شورای باشگاه دانش پژوهان جوان (مرکز المپیادهای علمی کشور) را مدیریت بدانید، من هم در بعضی تصمیم‌گیریهای باشگاه شرکت داشته‌ام. مثلاً ارائه‌ی پیشنهاد افزایش سهمیه‌ی قبول شدگان در دوره‌ی تابستان و تصویب آن در شورا و هیئت امنای باشگاه از طرف من بود.

• به آموزش اهمیت می‌دهید؟ چه قدر؟

○ خیلی. فکر می‌کنم آموزش یکی از ارکان مهم دانشگاه است که حتی در دانشگاههای خوب ما هم کمتر به آن اهمیت داده می‌شود. آموزش خوب می‌تواند مردم را به یادگیری و بهره‌برداری خوب از آن تشویق کند.

• تا کنون چند دانش‌جوی دکتری و چند دانش‌جوی کارشناسی ارشد با شما کار کرده اند؟

- تنها یک دانشجوی کارشناسی ارشد داشته ام که به زودی فارغ التحصیل می شود.
- نظر شما در مورد نظام کنونی آموزش دوره‌ی کارشناسی فیزیک در ایران چیست؟
- بسیار بد است، درست همان طور که وحید کریمی پور گفته.³ من متعجبم از اینکه با این وضع آموزش، دانشجویان از بعضی از آقایان دانشکده‌ی فیزیک صنعتی شریف نقل قول می‌کنند که می‌گویند شما فقط همین درسها را باید بخوانید و هیچ کار دیگری نکنید. من فکر می‌کنم با این آموزش بچه‌ها به هیچ یک از اهداف خود به نحو خوبی نخواهند رسید. حتی دانشجویان خوب هم احساس خوبی از این آموزش ندارند. یک نصیحت هم به دانش جوها دارم: این که خودشان به طور گروهی می‌توانند برای به‌سازی آموزش قدم بردارند؛ مثلاً در تشکلهای دانشجویی، با پژوهش و به کار انداختن عملی آنچه در کلاس آموخته اند و استفاده از اساتید علاقه‌مند می‌توان تا حدی این نقیصه را تعدیل کرد.
- نظر شما در مورد نظام کنونی آموزش دوره‌ی کارشناسی ارشد فیزیک در ایران چیست؟
- فکر می‌کنم این دوره دوره‌ای معلق و در برنج است. (حداقل به نظرم در دانشگاه صنعتی شریف این طور است.) بدون هیچ هدفی درسهایی خوانده می‌شود.
- نظر شما در مورد ساختار مدیریتی‌ی دانش‌گاه‌ها چیست؟
- به نظرم بیشتر رفع مسؤلیت است. هیچ کس به صورت بنیادی مدیریتی را شروع نکرده تا با هدف بلند به آن برسد. همه به طور مقطعی سعی کرده اند سنگهای جلوی پایشان را جمع کنند. این مشکل در تمام سطوح مدیریتی کشور وجود دارد.
- کار تدریس را از کی شروع کردید؟
- از سال ۱۳۷۷.
- نظر شما در مورد فیزیک‌پیشه‌های نسل قبل از شما چیست؟ ارزیابی شما از کارهای آموزشی، پژوهشی، و مدیریتی آنها چیست؟
- خود من و شما دست پرورده‌های آنها هستیم. اگر بخواهیم آنها را ارزیابی کنیم باید به خودمان نگاه کنیم. اگر خودمان را موفق می‌بینیم باید آن را مرهون آنان بدانیم. من فکر می‌کنم در زمانی که آنها به ما آموزش می‌دادند تمام وقت خود را صرف ما می‌کردند. خوب نسل ما جوان است با ایده‌هایی که می‌تواند با ایده‌های نسل قبل متفاوت باشد و حتی با هم متضاد باشد. این اشکال ندارد. به نظر من باید آنها را هم درک کنیم. شاید ما هم از نظر نسل بعد از خودمان شبیه نسل قبلی باشیم. متأسفانه در کشور ما این نوع چالشها وجود دارد و بخشی از آن مربوط به از دست دادن موقعیت اجتماعی خودمان می‌شود.
- به نظر شما مکتب فیزیک چیست؟
- موضوع خاصی از فیزیک که بتواند طرف‌دار پیدا کند و رهروان آن بتوانند آن را بیروارند و شاخ و برگ آن را اضافه کنند، در آن صورت آن موضوع یک مکتب شده است.
- مکتب فیزیک چه طور ساخته می‌شود؟

³ منظور گف وگو ی گاما با وحید کریمی پور است که در شماره ی ۳ ی گاما چاپ شد. ویراستار

- اگر کسی خود را وقف آموزش و پژوهش یک موضوع کند و بتواند شیرینی‌های آن را هم به دیگران بچشاند و با سختی‌های آن از میدان خارج نشود آنگاه می‌تواند یک مکتب بیافریند.
- آیا در ایران مکتب فیزیکی هست؟ اگر هست، کدام است؟ اگر نیست، آیا می‌توان در ایران مکتب فیزیک ساخت؟
- در یک دوره به نظر می‌آمد مکتبی به نام نظریه‌ی ریسمان وجود دارد، اما حالا فکر می‌کنم نسل جدید به این مکتب گرایش زیادی نشان نمی‌دهد. چون در گذشته موضوعات دیگر مطرح نبودند. با به وجود آمدن موضوعات دیگر فکر می‌کنم آن مکتب کم‌رنگ شده است. این که در ایران آیا می‌توان مکتب ساخت، باید بگویم کار نشد ندارد.
- نظر شما در مورد تقسیم‌بندی شاخه‌های فیزیک به مهم و مهم‌تر چیست؟
- فکر می‌کنم از نظر فیزیک‌پیشه‌ها شاخه‌های مختلف فیزیک ارزش یکسانی دارند و مهم‌تر نداریم. اما از نظر اداره‌کننده‌های جامعه ممکن است بخشی از فیزیک به طور مقطعی مهم‌تر از بقیه شود و روی آن سرمایه‌گذاری بیشتری کنند.
- برخی از شاخه‌های فیزیک در ایران تقریباً وجود ندارد. (این را قبول دارید؟) به نظر شما چه طور می‌شود این شاخه‌ها را در ایران راه انداخت؟
- بله. به نظر من یک استاد راهنما و یک دانشجوی شجاع می‌توانند این کار را انجام دهند مثلاً همین کاری که خود من کردم مسبوق به سابقه‌ای نبود. وقتی من کارم را با دکتر صمیمی شروع کردم یادم هست که می‌گفت ما در تاریکی قدم می‌زنیم و تنها جلوی پایمان را می‌بینیم. اما پس از یک دهه کار این شاخه از فیزیک به نتیجه رسیده و افراد متعددی در آن فارغ‌التحصیل شده‌اند.
- آیا نوشته‌های فارسی فیزیک را می‌خوانید؟ کدام‌ها را؟
- بله. مطالبی از مجله‌ی فیزیک و گاما را که به نظر من جالب‌اند می‌خوانم. همچنین نشریه‌ی تکانه را، که از نشریه‌های داخلی دانشکده‌ی فیزیک صنعتی شریف است، می‌خوانم.
- نظر شما در مورد گاما چیست؟
- گاما یک نشریه‌ی آموزش فیزیک است که گردانندگان آن تجربه‌ی کافی برای اداره‌ی آن دارند. در سه شماره‌ای که از آن منتشر شده اغلب مقالات مربوط به هیئت ویراستاران آن است. فکر می‌کنم برای بقا احتیاج به تمام فیزیک‌پیشه‌ها هست، و برای این کار لازم است در تمام دانشکده‌های فیزیک کشور تبلیغات انجام شود تا با این مجله بیشتر آشنا شوند و کارهای آموزشی خود را به این مجله ارسال کنند و از آنها هم استفاده شود.
- سمت‌های اجرایی هم داشته‌اید؟ در این سمت‌ها چه کرده‌اید؟
- خوشبختانه نه.
- نظر شما در مورد تشکّل‌های فیزیک‌پیشه‌های ایران چیست؟ به خصوص نظر شما در مورد انجمن فیزیک چیست؟ اصلاً عضو این انجمن هستید؟

○ به نظرم هیچ کاری در ایران جدی گرفته نمی‌شود، و این تشکلهای هم از این مطلب مستثنی نیستند. انجمن فیزیک هم درست مثل بقیه. خدا را باید شکر کرد که تا به حال از هم نپاشیده است. من هم عضو آن نیستم.

● شما سال‌ها است در آماده‌سازی تیم المپیاد فیزیک ایران نقش دارید. سازوکار انتخاب و آموزش اعضای تیم المپیاد فیزیک ایران چیست؟

○ تمام دانش آموزان رشته ریاضی و فیزیک در سرتاسر کشور که حد نصابی در نمره‌های دروس فیزیک و ریاضی آنها وجود داشته باشد می‌توانند برای المپیاد فیزیک ثبت نام کنند. این دانش آموزان در امتحان تستی ای که معمولاً در نیمه‌ی دوم بهمن ماه هر سال برگزار می‌شود شرکت می‌کنند. برگزیدگان این امتحان، که تقریباً هشت صد نفر اول هستند، در امتحان تشریحی ای که در اردیبهشت سال بعد برگزار می‌شود شرکت می‌کنند. این امتحان‌ها فقط در زمینه‌ی فیزیک است. با ضرایبی که برای هر یک از امتحانهای برگزار شده در نظر گرفته می‌شود حدود چهار نفر اول انتخاب می‌شوند و یک دوره‌ی تابستانی تقریباً ده هفته‌ای را در باشگاه دانش پژوهان جوان می‌گذرانند. در این دوره آموزش در زمینه‌های مکانیک و الکترومغناطیس است، هم نظری و هم عملی؛ و امتحانهای متعددی گرفته می‌شود. سپس از این گروه ۷ نفر اول برگزیده می‌شوند. این ۷ نفر باز یک دوره‌ی تقریباً هفت ماهه را می‌گذرانند. این دوره شامل آموزش تمام مطالبی است که در سرفصل‌های المپیاد فیزیک است: مکانیک، الکترومغناطیس، موج، شارها، حرارت، نور، نسبیت، فیزیک مدرن و فیزیک هسته‌ای (هم نظری و هم عملی). از این دروس هم امتحانهایی گرفته می‌شود، و در نهایت ۵ نفر اول انتخاب می‌شوند و به المپیاد جهانی فیزیک اعزام می‌شوند.

● احتمالاً هدف باشگاه دانش پژوهان جوان انتخاب تیمی برای کسب مدال طلا است. این حدس ما درست است؟

○ بله. به هر حال هر مؤسسه‌ای مایل است آنچه که به عهده‌اش قرار داده‌اند یک نمود خارجی داشته باشد، و نمود خارجی کار المپیاد کسب مدال‌های مرغوب است. برای رسیدن به این مدال دانش پژوهان دوره‌ای را سپری می‌کنند که در آن فیزیک و یا درس دیگری را یاد می‌گیرند که سرمایه‌ای است که برای خود آن شخص و برای جامعه مفید است. این سرمایه ماندنی است، و بستر آن را باشگاه فراهم کرده است.

● انگیزه‌ی شخصی شما از هم کاری با المپیاد فیزیک چیست؟

○ این که مجموعه‌ی نسبتاً بزرگی از دانش آموزان ترغیب می‌شوند فیزیک بخوانند، و تعدادی از فیزیک پیشه‌های ایران سؤالهایی طرح می‌کنند که در جای خودش فکر نمی‌کنم نمونه‌ی دیگری در ایران داشته باشد. این سؤالها، که آموزشهای فراوانی به همراه خود دارد، برای من بسیار جذاب است.

● می‌گویند بیش‌تر المپیادی‌ها از ایران می‌روند، و به این دلیل ضرر المپیاد بیش از منفعت آن است. آیا شما می‌توانید آمار از این رفتن به ما بدهید؟ و به طور کلی نظر شما در مورد المپیاد فیزیک چیست؟

- از بدو تأسیس المپیاد تاکنون ۴۰۴ نفر المپیادی بوده اند. از این تعداد قطعاً ۱۲ نفر خارج از کشورند. از این ۱۲۰ نفر ۴۰ نفر آنها مدال جهانی ندارند. ۸۱ نفر آنها در آمریکا، ۲۱ نفر در کانادا، ۱۰ نفر در فرانسه، و بقیه در کشورهای دیگراند. اکثر این افراد هم هنوز در حال تحصیل اند. هیچ آماری هم نه من و نه باشگاه دانش‌پژوهان از تعداد مقاله‌های آنان نداریم. تا آنجا که همه می‌دانیم تا پایان مقطع کارشناسی تقریباً تمام المپیادی‌ها به غیر از معدودی از آنها که به خارج از کشور می‌روند در داخل کشور ادامه‌ی تحصیل می‌دهند. شروع مهاجرت‌ها از مقطع کارشناسی ارشد به بالا است، یعنی زمانی که این افراد برای آینده‌ی شغلی خود احساس امنیت نمی‌کنند. این موضوع تنها به المپیادی‌ها هم بر نمی‌گردد، بلکه یک موج فراگیر است. تقریباً آنهایی که بتوانند بروند می‌روند. کسانی هم که مایلند بمانند توسط افراد برجسته‌ی جامعه ترغیب به رفتن می‌شوند. خوب، همه می‌گویند چه باید کرد. همه سؤال می‌کنند آیا المپیاد خوب است یا بد. من می‌گویم برای حل مسئله نباید صورت مسئله را پاک کرد. این ساده‌ترین کار است ولی راه حل مسئله نیست. این کاری است که مربوط به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌شود. اگر وزارتخانه تصور می‌کند که هدف آنها تنها تربیت دانشجو و بالا بردن سطح فکر مردم است بدون پیش‌بینی موقعیت آن افراد، خوب مسئله در این وزارتخانه قابل حل نخواهد بود. اما اگر این وزارتخانه هدف‌مند است و می‌خواهد این افراد در جای‌گاه خاصی که برای جامعه لازم است قرار بگیرند، فکر می‌کنم کاری انجام نداده است، یا حداقل هنوز دیده نشده است. من فکر می‌کنم همه می‌دانند درد چیست و درمانش را هم می‌دانند. اما این که چرا به آن رسیدگی نمی‌شود جای سؤال است. به عنوان مثال چند وقت پیش فردی که ظاهراً از طرف دفتر ریاست جمهوری فعلی به باش‌گاه دانش‌پژوهان جوان آمده بود با افراد مختلف باشگاه در این خصوص مصاحبه می‌کرد، از دانش پژوهان گرفته تا مسئول‌های مختلف باشگاه، حتی با خود من هم در این مورد صحبت کرد. بعد از این فرد خبری نشد تا اینکه خود من پس از مدتها او را دیدم. رفتم جلو و نشانی دادم و مسئله را از او پی‌گیری کردم. گفت من دیگر بازنشست شده‌ام و خبر ندارم چه شد. خوب تا به حال هم خبری نیست. نتیجه‌ای که من تا کنون گرفته‌ام این است که طرح بررسی این مشکل فقط این است که مسئولان بگویند به فکر هستیم. در هر حال نظر من در باره‌ی المپیادها بسیار مثبت است. این که وزارت علوم و تحقیقات و فناوری این آب را به شوره‌زار می‌ریزد و در جای مناسب استفاده نمی‌کند مقصورش آنها هستند.
- شما تقریباً ۲۰ سال پیش وارد دانش‌گاه شدید و شروع به آموختن فیزیک کردید. اگر آن موقع می‌توانستید وضعیت امروز را پیش‌بینی کنید، چه تغییری در انتخاب‌ها پتان می‌دادید؟
- آن موقع که من فیزیک را شروع کردم وضعیت خیلی بدتر از حالا بود. در هر حال فکر می‌کنم انتخابم فرقی نمی‌کرد.